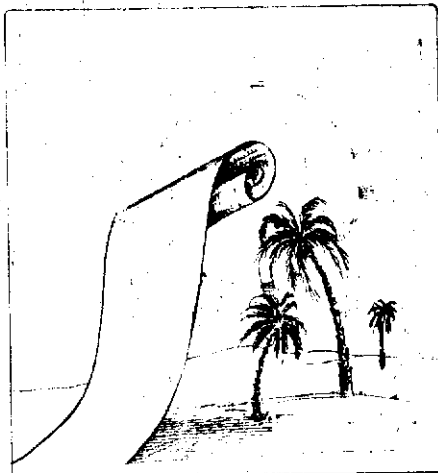


فلسفه مالیات

از دیدگاه امام علی (ع)



باشد برای اینکه خراج بدست نمی آید مگر با آبادانی و کسیکه مالیات بدون آباد کردن نخواهد، کشور را خراب کرده و مردم را از بین برده است و کار او جز زمان اندکی، دوام نخواهد داشت، پس اگر مالیات دهندگان از سنگین بودن مالیات یا پیش آمدی یا بی بی آبی یا نیامدن باران یا سیل و اموری دیگر شکایت نمودند، تو برای آنان سبک بگیر تا آنجائیکه امیدواری که کار آنان اصلاح شود، و هرگز نباید آنچه را به آنان تخفیف داده‌ای برای تو سنگین بیاید زیرا این ذخیره‌ای است که پس از آبادی کشور بتو باز خواهد گشت و باعث زیبایی حکومت تو خواهد بود و در عین حال با اینکار تو، ستایش خوب آنان را بخود جلب کرده‌ای، و با اصرار ایجاد عدالت و ایجاد آسایش و رفاه در مردم، قدرت آنان را زیاد کرده و برای خود تکیه گاه محکمی ساخته‌ای و چه بسا که کارهای سخت و دشواری بعد از آن پیش آمده و تو آنان را به مردم واگذار می کنی و آنان داوطلبانه و با آسودگی خاطر آنکارها را به عهده می گیرند، زیرا در صورت عمران و آبادانی و سازندگی، مردم مشکلات را به راحتی

جاسوسی باستی در مورد مسئولین اجرایی و مقامات مملکتی باشد تا اگر خدای نکرده مانند بعضی از استاندارانی که امام علی (ع) گمارده بود یا بعضی از مسئولینی که در آغاز انقلاب بودند و نسبت به مردم و بیت المال و اسلام خیانت یا حداقل کم توجهی و کم کاری می کردند، پیدا شدند، حاکم اسلامی بتواند سریعاً از خود عکس العمل نشان داده و شخص خاطی را تشبیه نماید... پس از بیان این مطالب، حضرت به مسئله «خراج» و مالیات و کسانی که باید مالیات بگیرند و کسانی که باید مالیات بدهند پرداخته و در این مورد می فرماید:

در امر خراج به آنچه که مصلحت خراج دهندگان است، رسیدگی کن زیرا که صلاح خراج و خراج دهندگان صلاح جامعه است و جز با در نظر گرفتن صلاح آنها،

پس از بیان مطالبی که در توضیح و ترجمه عهد نامه مالک اشتر داشتیم که بطور منظم از آغاز نامه شروع شده بود در آن حضرت شرایط کلی یک حاکم و زمامدار اسلامی را بیان می نمود و پس از بیان شرایط کلی، به تقسیم جامعه به دو قطب اصلی «عامه» و توده های مردم و «خاصه» و اقلیتهای صاحب قدرت و پول و نفوذ بودند، حضرت به دسته بندی افشار مردم پرداخته و شرایط و ویژگی های هر قشری را بیان فرمودند از آنجمله در مورد لشکریان قضاة استانداران و فرمانداران و در شماره گذشته

*** در نظامهای طاغوتی، گرفتن مالیات خود هدف بوده است، و از این دسترنج مردم، در راه اهداف و امیال پست و حیوانی خود استفاده می کردند و مسئله ای که هرگز مورد نظر آنان نبوده، مسئله مردم و رفاه مردم و سازندگی در جامعه بوده است.**

صلاح جامعه امکان پذیر نیست. مردم کلاً نانخور مالیاتها و مالیات دهندگان می باشند، و باید نظر تو در آبادانی و سازندگی بیشتر از نظر تو در جلب مالیات و خراج

مطالبی در مورد «عبون» و جاسوسان و اینکه از دیدگاه نهج البلاغه و امام علی وجود این قشر در جامعه اسلامی ضروری و لازم است وعده ای باید مستقلاً به اینکار بپردازند و اینکه حوزه عمل این قشر فقط مخالفین نیستند، بلکه بیشترین مورد دقت و بازرسی و خبرگیری و

تحمل خواهند نمود، و همانا ویرانی زمین در اثر تنگدستی مردم می باشد، و تنگدستی و بیچارگی مردم نیز در اثر توجه حاکمان به جمع آوری مال و قدرت و بدگمانی به بقاء و کم بندگرفتن از پیش آمدها می باشد.

گرفتن مالیات برای اداره امور کشور، امری لازم و غیر قابل انکار بوده، در تمامی کشورها بر رژیم ها اجرا می گردد، ولی در اینجا مسئله مهم فلسفه هدف گرفتن مالیات است که آیا واقعا

در جهت برنامه ها و مخارج جاری و عمرانی کشور صرف می گردد و یا در جهت ایجاد کاخها و هزینه های طغیانگری و اشرافیت؟ اگر گرفتن مالیات واقعا در جهت مردم و برای راه اندازی

امور کشور باشد، و خدمت به انسانها هدف باشد و گرفتن مالیات، یکی از وسایل آن، پس باید بطوری از این وسیله استفاده گردد که ضروری به هدف اصلی نزنند، یعنی اگر خدمت به مردم هدف است پس مالیات دهندگان نیز، مردم هستند و در

صورتیکه آنان از پرداخت مالیت عاجز باشند و نتوانند بپردازند، حتما باید برای آنان فرصتی و مهلتی قائل شد، تا توانائی پرداخت آنرا بیابند و مسئله مهم دیگر اینکه مردم وقتی می توانند مالیات بپردازند که اولاً رژیم مردمی و مورد علاقه توده ها باشد، که در رژیم اسلامی حتما چنین است، و دیگر اینکه حکومت در ایجاد اشتغال و ایجاد درآمد برای مردم و در عمران و آبادانی و سازندگی کشور کوشا باشد، که هر چه کشور آبادتر باشد، مردم در پرداخت مالیات راغب تر و موفق تر خواهند بود.

اینکه مالیات بدست نمی آید، مگر با سازندگی و کسبیکه مالیات بدون آبادانی بخواند. کشور را خراب کرده و مردم را از بین برده است»

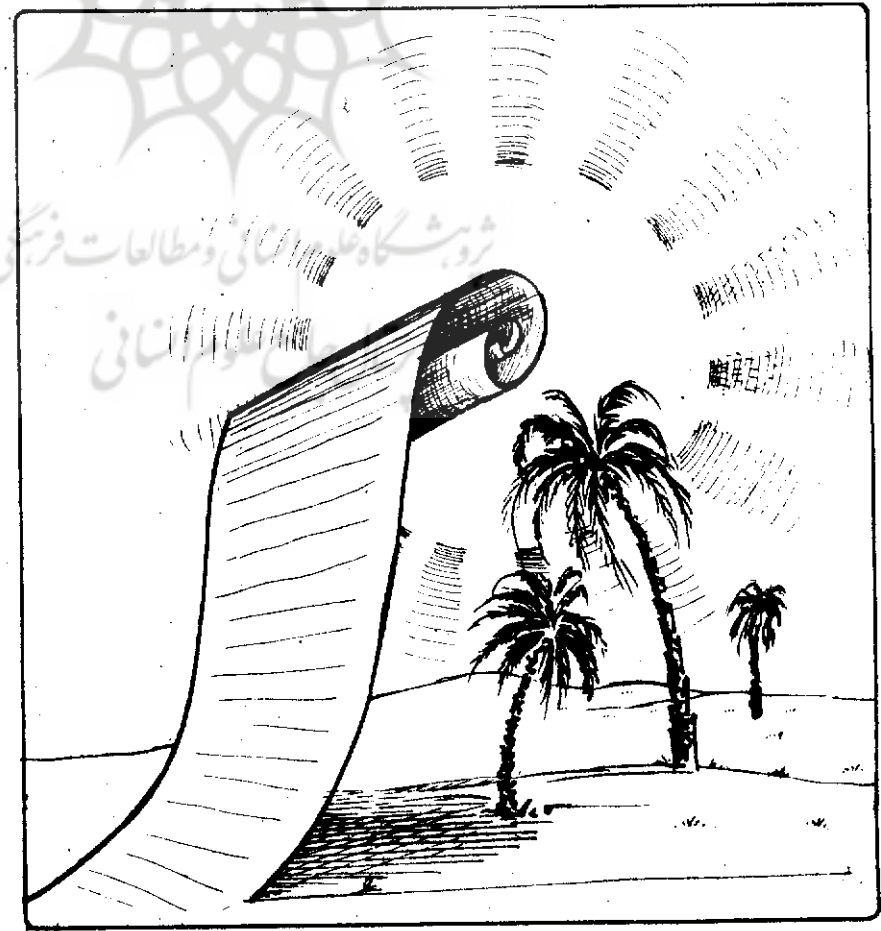
و وقتی رژیم اسلامی و دستگاه خلافت از مسیر اصلی خود منحرف گردید که این دیدگاه امام علی (ع) به اجرا در نیامد و خلافت همانطور که حضرتش در خطبه ها می فرماید، وسیله ای برای غارت و جبايل کردن، و دستگدانی اموی و عباسی نبود، پس باید که

در نظام علوی و حکومت اسلام، مالیات وسیله ای برای رفاه مردم و سازندگی برای مردم می باشد بفرموده امام علی (ع) اگر بینش زمامداران چنین باشد، مردم خود تمامی مشکلات را داوطلبانه از پیش پا، بر خواهند داشت.

شاهان به تنگ آمده بودند و به امید عدالت و به امید اسلام محمدی و علوی، به اسلام روی آورده بودند، از عدالت نا امید کرده و نشان دادند که همانشاهان و همان غارتگران می باشند ولی در پوششی دیگر، و مردم را بردههای خود دانسته و شهرهای تحت حکومت خود را به صورت «هذیه» و «تیول» به نور چشمی های اطرافیان واگذار می کردند و آنان مالیات و خراج را تنها هدف خود دانسته و ازان در راه امیال پست و حیوانی خود استفاده می کردند و مسئله ای که هرگز مورد نظر آنان نبود، مسئله مردم و رفاه آنان بود، بهمین دلیل وقتی مردم مصر پیش یکی از همین قماش اده نمایان آمده و اظهار می دارند که به علت نامساعد بودن شرایط جوی و نیامدن باران، امسال محصول پنبه نداشته ایم و شما از ما، مالیات طلب نکنید، جناب حاکم که در ظاهر نماینده خلیفه مسلمین است می فرماید: اگر محصول پنبه نداشتید چرا پنبه کاشتید؟! ولی مردم قبل از اینها این قماش افراد را شناخته و تنها و تنها به علی و خاندان علی و علویون عشق می ورزیدند.

زیرا این امام علی است که خدا را هدف قرار داده و کم بخدمت بندگن خدا بسته و فرمانداران و استاندارانش را اگر کوچکترین خلافتی از آنها مشاهده کند، مورد تنبیهترین مواخذه و عقوبت قرار می دهند حتی اگر این فرد نزدیکترین یارانش بوده و اگر خلاف او، تنها و تنها رفتن به مهمانی ای بوده باشد که اشراف در آن حضور دارند و از مستضعفین در آن خبری نیست!! و چنین است که بعد از ۱۴ قرن، ناه امام علی قلب میلیونها انسان را در آسیا و آفریقا و در بقیه در صفحه ۷۰

و این سخن زیبا و پر معنی امام علی (ع) نیز ناظر به همین مطلب است که می فرماید: «و باید نظر تو در آبادانی و سازندگی بیشتر از نظر تو در جلب مالیات و خراج باشد، برای



فلسفه مالیات....

تمامی کره زمین به تیش در می آورد و همین مردمی را که امام علی (ع) این چنین سفارش آنها را می نماید، فرزندش و ادامه دهنده راستین راهش حضرت امام خمینی، این مردم را و این مستضعفین و یابرنه گان را، ولی نعمت مسئولین مملکتی دانسته و می فرماید که اگر ما تا آخر عمر به آنان خدمت کنیم، باز از عهده حق آنان و دین خویشتن، بر نیامده ایم و بدلیل همین توجه رهبر انقلاب به توده های مردم است که می بینیم مشکلات بشمارای را که استعمار و امپریالیسم در راه انقلاب ایجاد می کند، مردم ایثار گرانه و داوطلبانه، این مشکلات را از سر راه انقلاب بر داشته و کوچکترین چشمداشتی هم ندارند و تا وقتیکه انقلاب این پشتوانه مردمی را داشته و بقول امام از طبقه مرفه و اشراف کسی در حاکمیت حضور ندارد، این انقلاب باقی است همانطور که امام علی فرمودند، مردم داوطلبانه مشکلات را از سر راه بر خواهند داشت. حضرت سپس به بیان نویسندگان و مشیانی در نظام علوی پرداخته و می فرماید: پس در حال نویسندگان نظر بیفکن و بهترینشان را بر کارها بگمار، و نامه هائی را که در آنها اسرار و رازهای تو نهفته است، اختصاص بده به کسانی از آنها که بیشترین خوبیها را داشته باشند، از کسانی که مقام و موقعیت، آنان را بر علیه تو سرکش ساخته و به مخالفت با تو در حضور دیگران نپردازند و کسیکه در رساندن نامه های کارگزاران بتو، و دادن

جوابهای بموقع و مناسب از جانب تو، کوتاهی نکند و کسیکه از بستن قرار داد بسود تو، عاجز نباشد و همچنین قدرت برای گسستن قراردادهای زیان آور داشته باشد و نسبت به قدر و منزلت خود جاهل نباشد، زیرا کسیکه خود را شناسد، نسبت به دیگران شناسائی کمتری خواهد داشت! و همچنین انتخاب مشیانی و نویسندگان نباید بر اساس فراست و ظاهر نیکو و حسن ظن تو باشد، زیرا افراد ظاهر سازی و خوش خدمتی نموده و خود را خوب نشان می دهند و غیر از ظاهر، چیزی از امانت و نصیحت در آنان نیست، و لیکن آنان را بر اساس آزمایشی که در گذشته داده اند، بکار بگیر، پس کسانی را بکار بگیر که در مردم بهترین اثر را داشته و به امانت داری شناخته تر باشند، و این دقت و سخت گیری تو در انتخاب افراد، دلیل بر فرمانبرداری تو از خداوند و کسی که تو را بکار گمارده، می باشد. و برای هر یک از کارهایت مسئولی و رئیسی از نویسندگان بگمار از کسانی که سنگینی کارها، آنان را از میدان بدر نکرده و احوال آنها را پریشان نسازند و

بدانکه هر گاه، در آنان عیبی باشد و تو از آن غافل باشی، تو را به آن می گیرند.

در هر نظام انقلابی که جایگزین نظام منحط و پوسیده گذشته می گردد، افرادی که در نظام پیشین به کارهای مشیگری و دفتری و اداری می پرداخته اند، سعی و کوشش بسیار داشته که خود را با نظام جدید وفق داده و هماهنگ سازند و حتی عده ای از آنان به ظاهر سازی پرداخته و سعی می کنند که با اقداماتی خود را موجه جلوه دهند، ولی حاکم اسلامی نباید به ظاهر اینگونه افراد نگاه کند نباید بزخوردنهای لفظی آنان را ملاک قرار دهد، بلکه آنچه اهمیت دارد سابقه و گذشته فرد و آزمایشاتی که در گذشته داشته است می باشد، این مسئله مخصوصا در مورد افرادی در موقعیتی قرار دارند که نسبت به اسرار مملکتی دست خواهند داشت و حاکم باید کسی را در این موقعیت بگذارد که بیشترین صفات خوب را در خود جمع کرده باشد و به راحتی حاضر نباشد اسرار مملکتی را در اختیار بیگانه قرار دهد و به اصطلاح افشاگری نماید! و نکته مهمی که در این قسمت وجود دارد اینک: دقت و سخت گیری حاکم اسلامی در گزینش افراد مسئول، مخصوصا افراد سطح بالای مسئولین، دلیل اطاعت از خدا و پیامبر و امام است و هر عیبی که در این افراد انتخاب شده باشد و حاکم اسلامی از آن غافل باشد و بموقع اقدام مقتضی انجام ندهد، مسئول خواهد بود. امید آنکه در هر چه بهتر شناختن و هر چه بهتر پیاده کردن نظام حکومتی اسلام، بیش از پیش مورد تاییدات خداوند قرار گرفته و موفق باشیم.

(ادامه دارد)

تشکیل واحد معدن....

مکمی ۳۸ ریال بفروش میرسد

معدن سنگ نجف آبادی

این معدن در ۲۳ کیلومتری غربی اصفهان و در ۴ کیلومتری قریه جوزدان نجف آباد قرار گرفته است. تولید روزانه معدن ۴۰۰ تن سنگ - کوب میباشد که از قرار هر تن ۱۳۰۰ ریال بفروش میرسد. برای انفجار معدن و تولید سنگ ماهانه ۴ تن باروت و ۲۴۰۰ متر فنیله و ۵۰۰

کیلومتری غرب اصفهان واقع است. تولید آن سنگ سیاه بوده که برای مصارف ساختمانی بکار میرود. سیستم استخراج آن بصورت پلکانی بوده و ماهانه ۳ تن باروت و ۳۰۰۰ متر فنیله و ۷۰۰ عدد چاشنی برای انفجار سنگها بکار میرود. در حال حاضر ۴۰ نفر در معدن مشغول بکار بوده که حقوق روزانه شان بین ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ ریال میباشد

عدد چاشنی مصرف میشود. در این معدن یکدستگاه بولدوزر و شش دستگاه کمپرسور، یکدستگاه لودر و تعدادی خودروی سبک وجود دارد. معدن فوق الذکر قبلا متعلق به شخصی بنام «دری» بوده و در اوایل سال ۱۳۵۹ در تملک جهاد قرار گرفته است.

معدن سنگ سیاه نجف آباد

این معدن در نزدیکی های نجف آباد و در ۲۳